

گفتگو با فرهنگ سازان بزرگ ایران

۳ - مصاحبه با آقای دکتر ابوعلی سینا در بستر بیماری
بخش اول
از دکتر عباس احمدی



اشاره - باخبر شدیم که یکی از اندیشمندان بلند آوازه ی ایرانی به نام آقای دکتر ابوعلی سینا در هنگام سفر از اصفهان به همدان در یکی از آبادی های نزدیک همدان به بیماری سختی مبتلا شده اند و با زحمات فراوان توانستیم مصاحبه ای با ایشان ترتیب بدهیم که در زیر می خوانید.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا از این که در این اوضاع دشوار، دعوت ما را برای مصاحبه قبول کرده اید بسیار سپاسگزارم. جنابعالی که پزشک معروفی هستید، چه طور شد که به این بیماری دچار شدید؟

ا س - همان طور که می بینید، مدتی است که به بیماری قولنج مبتلا شده ام و با وجود این که مرتباً خودم را درمان می کنم ولی حالم روز به روز بدتر می شود.

ع ۱ - جناب آقای دکتر ابو علی سینا، امیدوارم که هر چه زودتر سلامت خود را باز یابید و دوستداران و علاقمندان خود را همچنان از فیض وجودتان بهره مند فرمایید. حالا اگر حالتان مساعد باشد، ممکن است برای خوانندگان جوانتر ما که مشتاق اند اطلاعات بیشتری راجع به شما داشته باشند بفرمایید که در کجا متولد شده اید و در چه مدرسه ای تحصیل کرده اید؟

ا س - اسم کوچک من حسین و نام خانوادگی ام ابن سینا است. بنده اهل دهات ام و در دهکده ی افشنه از توابع شهر بخارا واقع در منطقه ی ماوراء النهر (ازبکستان فعلی واقع در شمال استان خراسان) متولد شده ام. نام پدرم عبدالله و نام مادرم ستاره است. دو برادر به نامهای علی و محمود دارم.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، شما فرمودید که اسم کوچکتان حسین است، پس چرا به نام ابوعلی مشهور هستید؟

ا س - ابوعلی، کنیه و لقب من است.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، بنده شنیده ام که جنابعالی در طفولیت جزء کودکان استثنایی بوده اید. ممکنست کمی در این مورد برایمان توضیح بدهید.

ا س - بنده در سن پنج سالگی همراه خانواده ام از دهکده افشنه به شهر بخارا کوچ کردیم. مرحوم پدرم از پیروان فرقه ی اسماعیلیه بود و خیلی به تعلیم و تربیت من علاقه داشت. من هم در درس مشق خودم بسیار کوشا بودم به نحوی که در ده سالگی تمام قرآن را از حفظ بودم. در سن شانزده سالگی، صرف و نحو، منطق، ریاضیات، طبیعیات، ماوراء الطبیعه و پزشکی را نزد استادان فن آموخته بودم. در هجده سالگی در همه ی علوم زمان استاد شده بودم. اصولاً، در تمام مدت عمرم، چیزی بیش از آنچه در هجده سالگی می دانسته ام نیاموخته ام.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، جنابعالی به علت شهرت تان در علم پزشکی در دربار امیر بخارا موقعیت ممتازی داشتید و به عنوان پزشک دربار، درهای کتابخانه ی بخارا به رویتان گشاده بود، چه شد که زادگاهتان را ترک کردید و آواره ی غربت شدید؟



ا س - فشار پریشانی های سیاسی در ماوراء النهر در نتیجه ی افزایش قدرت آقای محمود غزنوی، زندگی را بر من در زادگاهم دشوار ساخته بود. به همین علت در سن سی و سه سالگی زادگاهم را ترک کردم و از بخارا به قصد شهر گرگان خارج شدم.

ع ۱ - برای چه شهر گرگان را انتخاب فرمودید؟

ا س - هدفم این بود که در گرگان، آقای قابوس وشمگیر را که حامی نامدار علم و ادب بود ملاقات کنم. پس از آن که با سختی های زیاد از ریگزار شمال خراسان عبور کردم و به گرگان رسیدم، آن کس که چشم برخورداری از حمایت و تربیت او را داشتم از دنیا رفته بود.

ع ۱ - پس از اطلاع از مرگ آقای قابوس وشمگیر، چه کردید؟

ا س - چون از این حادثه دلشکسته شده بودم، مدت سه سال در دهکده ای به حالت عزلت و گوشه نشینی زندگی کردم. پس از چندی، از زندگی در ده خسته شدم و در سن سی و شش سالگی به سوی استان تهران به راه افتادم.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، وقتی به تهران رسیدید چه کردید؟

ا س - در آن زمان، خاندان بویه در استان های مختلف ایران حکومت می کردند. در استان تهران، آقای فخرالدین بویه حکومت می کرد. مدتی به عنوان پزشک دربار در نزد ایشان بودم و سپس از آن جا به همدان رفتم.

ع ۱ - در همدان چه کردید؟

ا س - در همدان، آقای شمس الدین بویه، فرمانروا بودند. پس از رسیدن به همدان، مرا برای درمان امیر که بیمار شده بود دعوت کردند. بنده آقای شمس الدین بویه را معالجه کردم و در نزد او چنان تقریبی پیدا کردم که به وزارت رسیدم.

ع ۱ - آقای دکتر ابن سینا، چه شد که در همدان به زندان افتادید؟

ا س - بنده تا چند سال بعد از مرگ امیر، عهده دار وظیفه ی سنگین وزارت بودم. به علت سنگینی کار از شغل وزارت استعفا دادم، اما استعفا ی من مورد قبول واقع نشد و به عنوان استتکاف از وزارت به زندان افتادم. مدتی در زندان بودم تا در یک فرصت مناسب از زندان فرار کردم و به طور ناشناس و در لباس درویشی به اصفهان رفتم.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، چرا اصفهان را انتخاب فرمودید؟

ا س - اصفهان مرکز بزرگی برای علوم مختلف بود و سالها بود که آرزوی دیدن آنجا را داشتم. در اصفهان مورد توجه ی آقای علاء الدوله، فرمانروای اصفهان، قرار گرفتم و مدت پانزده سال در این شهر با آسایش خاطر زندگی کردم.

ع ۱ - آقای دکتر ابن سینا، چه شد که اصفهان را ترک کردید و دوباره به همدان برگشتید؟
 ق س - یک بار، اصفهان در معرض حمله ی آقای مسعود غزنوی قرار گرفت و در این حمله بسیاری از کتاب هایم از بین رفت. این آقای مسعود غزنوی پسر همان آقای محمود غزنوی است که به سبب او از زادگاهم، بخارا، دربر شده بودم. بنده که از این وضع ناراحت بودم و در ضمن بیماری قولنج نیز اذیت می کرد، دوباره به همدان برگشتم.



ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، این طور که از گفته های جنابعالی استنباط می شود، در زندگی فراز و نشیب های زیادی دیده اید. گرفتاری های سیاسی فراوان پیدا کرده اید. دشواریهای بسیار دیده اید. جنابعالی غالباً در نزد فرمانروایان به عنوان پزشک خدمت می کرده اید و حتی یک بار به وزارت هم رسیده اید. ولی در عین حال زندگی روشنفکرانه و پر فعالیتی هم داشته اید. ممکن است بفرمایید تاکنون چند کتاب نوشته اید؟

ا س - بنده در عرض این پنجاه و هفت سال عمرم، حدود دویست و پنجاه کتاب و رساله نوشته ام .
 ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، شنیده ام که جنابعالی قدرت بدنی فراوانی دارید و شب های درازی را به شب نشینی و خوشگذرانی می گذرانید و پس از خاتمه ی مهمانی به نوشتن رساله ای در علم یا فلسفه می پردازید.

ا س - این که چیزی نیست. بنده گاهی در حین آن که سوار بر اسب در رکاب پادشاه عازم جنگ بودم، بعضی از آثارم را املاء می کردم و نویسنده ای که همراهم بود آن را می نوشت.

ع ۱ - آقای دکتر ابوعلی سینا، جنابعالی در فلسفه، اساس مکتب مهمی را ریخته اید و در پزشکی، میراث بقراطی و جالینوسی را باهم ترکیب کرده اید. کتاب معروف جنابعالی به نام «القانون فی الطب» مدت پنج قرن یعنی تا حدود قرن هفدهم میلادی یکی از مهمترین منابع و مآخذ پزشکی در شرق و غرب بوده است و سالهای متمادی در دانشکده های پزشکی اروپا به عنوان کتاب درسی تدریس می شده است. بحث در باره ی مجموعه ی آثارتان به زمان بیشتری نیاز دارد. امروز بیشتر وقت ما به شرح حال یا بیوگرافی شما گذشت. انشاءالله، فردا راجع به کتاب هایتان مفصلاً با جنابعالی گفتگو خواهیم کرد. بار دیگر از این که دعوت ما را پذیرفتید تشکر می کنم.

دنباله ی این مصاحبه ی جالب را در شماره ی آینده با هم خواهیم خواند.

منابع

لیست کامل منابع و مآخذ در بخش سوم خواهد آمد.

phil03a.vnf

abbas.ahmadi@mailcity.com